



Birjand Hospice (The Historical Experience of Charity in Contemporary Iran)

Javad Abbasi¹; Maryam Valipour²; Fatemeh Farrokhi³

Abstract

Providing social welfare and establishing related centers have been among the main concerns of human societies throughout history. Therefore, different governments, statesmen, religious leaders, and benefactors with various intentions have endeavored to provide them. One of the most significant and pioneering experiences of Iranians in this regard is the establishment and administration of hospices or nursing homes. The study focused on the establishment and function of Birjand hospice from the late Qajar era to the beginning of the Islamic Revolution. It aimed to reveal the results of the benevolent endeavors of seven decades for maintaining this charity center. Using a descriptive-analytical method, library resources, news and historical evidence including documents, sources and field research, the study tried to see that why and how Birjand hospice was established, what financial resources were used, and who lived there. The results showed that a set of sociopolitical, administrative, religious and individual motivations resulted in the establishment of the charity center. Despite the political and social changes throughout the decades, the center survived and provided useful social services in society and become crucial in South Khorasan, Qaenat and Birjand region.

Keywords: Hocepice, Birjand, Endowment, Municipality, The Poor, The Disabled, Education.

1. Associate Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; jabbasi@um.ac.ir.
2. MA, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; valipour1360@gmail.com.
3. MA, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; fatima_farrokhi2@yahoo.com.



نوانخانه بیرجند (تجربه‌ای تاریخی از امور خیریه در دوره معاصر)

جواد عباسی^۱، مریم ولی پور^۲، فاطمه فرخی^۳

چکیده

ایجاد رفاه اجتماعی و تأسیس مراکز مرتبط با آن، از جمله دغدغه‌های جوامع بشری در گذر تاریخ است و به همین جهت در شرایط و بسترهای مهیا و با انگیزه‌های مختلف حکومت‌ها، دولت مردان، رهبران مذهبی و خیرخواهان نسبت به آن اهتمام نشان داده‌اند. یکی از تجربیات مهم و متقدم تاریخی ایرانیان در این مورد را می‌توان در تأسیس و اداره دارال‌العجزة‌ها یا نوانخانه‌ها یافت. موضوع پژوهش حاضر چگونگی تأسیس و عملکرد نوانخانه بیرجند در اواخر عصر قاجار تا اوایل انقلاب اسلامی است و هدف آن شناساندن ثمرات تلاش خیرخواهانه حدود هفت دهه برای ایجاد و نگهداری این مرکز خیریه است. این پژوهش درصدد است با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای و گردآوری اخبار و شواهد تاریخی از جمله اسناد، منابع و تحقیقات میدانی به این پرسش‌ها پاسخ دهد که چرا و چگونه در یک برهه زمانی خاص در بیرجند نوانخانه تأسیس شد و منابع مالی آن از کجا تأمین و چه افرادی در آن سکونت داشتند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که چگونه مجموعه‌ای از زمینه‌های سیاسی - اداری، اجتماعی - مذهبی و انگیزه‌های فردی امکان پیدایش و ادامه کار یک مرکز مرتبط با امور خیریه در جامعه را رقم زد و با وجود تغییرات سیاسی و اجتماعی در طی چند دهه توانست به حیات خود ادامه دهد و کارکردهای اجتماعی مفیدی را در جامعه آن روز ارائه و به مرکزی مورد توجه در جنوب خراسان و منطقه قائنات و بیرجند مبدل شود.

واژگان کلیدی: نوانخانه، بیرجند، وقف، شهرداری، مساکین، معلولان، آموزش

۱. دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران jabbasi@um.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) valipour1360@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد fatima_farrokhii2@yahoo.com

مقدمه

گرایش به انجام امور خیریه و عام‌المنفعه در تاریخ ایران به دوره معاصر محدود نمی‌شود و پیشینه‌ای طولانی دارد. این اقدامات گاه از سوی حکومت به صورت بنای اماکنی جهت رفاه حال مردم و نیازمندان تجلی می‌یافت و گاه توسط صاحب‌منصبان حکومتی، اموال و املاک فراوانی وقف انجام این‌گونه امور می‌شد. یکی از مصارف این موقوفات اطعام فقرا و کودکان بی‌سرپرست و معلول، ایجاد دارالمساکین یا نوانخانه^۱ برای فقرا و مستمندانی بود که بنا به هر دلیلی قادر به تأمین مخارج زندگی خود و خانواده‌شان نبودند. در اواخر دوره قاجار به دلیل اوضاع ناشی از جنگ جهانی اول و بروز خشکسالی و قحطی و افزایش آمار فقیران و ناتوانان و هجوم آنان به شهر بیرجند و لزوم رسیدگی و سازماندهی آنان، تأسیس نوانخانه ضروری بود. خاندان علم که سابقه حکومتی چند قرنی در منطقه داشتند و در عین حال از مکتب مالی برخوردار بودند، در عملی شدن این موضوع نقش مؤثری داشتند؛ هرچند در ادامه فعالیت نوانخانه، افراد و تشکیلات دیگری از جمله علما، تجار، کسبه و سایر مردم نیز در این زمینه نقش آفرین شدند. تأسیس نوانخانه بیرجند و کارکرد آن در جامعه، موضوع مورد مطالعه پژوهش حاضر است. این مقاله می‌کوشد با استفاده از منابع و تحقیقات تاریخی و اسناد موجود در آرشیو آستان قدس رضوی و بایگانی شهرداری بیرجند و مصاحبه کتبی به این نکات دست یابد که هدف از تأسیس نوانخانه در شهر بیرجند چه بود، منابع مالی آن از کجا تأمین و افراد ساکن نوانخانه شامل چه کسانی بودند و چه امکاناتی در اختیار آنان قرار می‌گرفت؟

پیشینه پژوهش

منابع مهمی که به تأسیس نوانخانه بیرجند به صورت مختصر پرداخته‌اند، کتاب شوکت‌الملک علم اثر محمدعلی منصف و کتاب *خاطراتی از بیرجند و رویدادهای سیاسی اثر ابوالحسن آیتی* است. مهمترین منابع مورد استفاده در این کار، اسناد موجود در آرشیو آستان قدس رضوی و مطبوعات این دوره و اسناد موجود در بایگانی شهرداری بیرجند و نیز مصاحبه با افرادی است که به نوعی با نوانخانه در ارتباط بوده‌اند.

۱. نوانخانه از دو واژه «نوان» به معنی ناتوان و ضعیف و «خانه» به معنی جا و مکان تشکیل شده است این مکان در واقع مسئولیت نگهداری بینوایان و عاجزان را از طرف شهرداری بر عهده داشته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۵).

روش پژوهش

نوانخانه بیرجند به عنوان نهادی اجتماعی و خیریه در زمان خود و فراتر از آن، کارکرد مفیدی در جامعه آن روزگار، دارای اهمیت ویژه‌ای است و از آنجا که پژوهش مستقل در مورد آن انجام نشده است، مقاله حاضر در صدد است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای و اسناد موجود و مصاحبه با افراد نوانخانه و یا مرتبط با آن، به سوالات مطرح شده، پاسخ دهد.

تاریخچه تأسیس نوانخانه و کارکرد آن

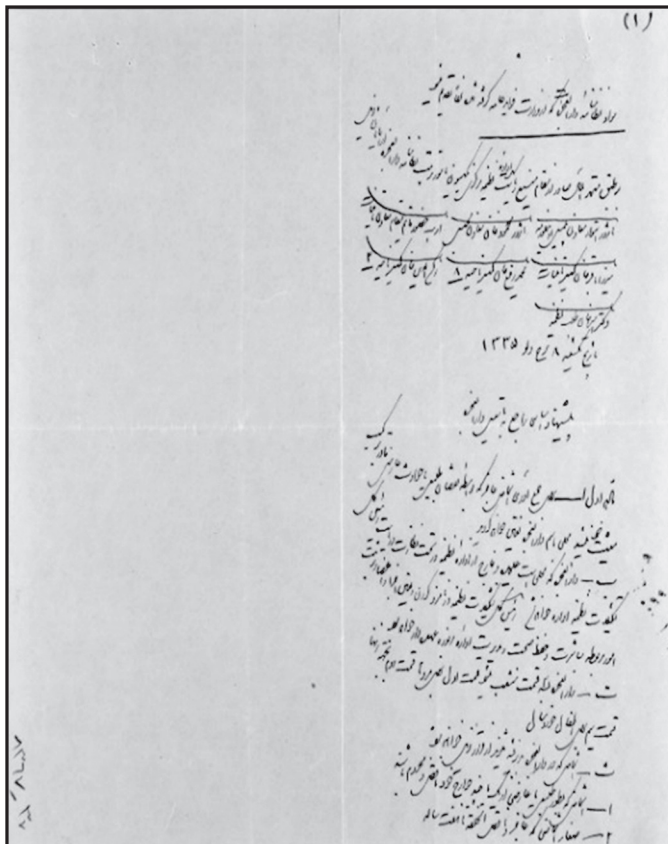
صرفنظر از تجربیات تاریخی متقدم همچون دارالمساکین مجموعه ربع رشیدی در قرن هشتم هجری تا آنجا که به تاریخ معاصر ایران مربوط می‌شود، در دوره محمدعلی شاه و بعدها در جریان جنگ جهانی اول و اثرات زیان بار جنگ و با تشدید وخامت اوضاع جامعه و وضعیت مردم، تأسیس نوانخانه یا دارالعجزه در شهرهایی از ایران مورد توجه قرار گرفت. مشهد از شهرهایی بود که در اواخر سال‌های جنگ جهانی اول در ۱۳۳۵ق. / ۱۹۱۷م. مرکزی به نام دارالعجزه تأسیس نمود. هزینه‌های دارالعجزه از محل موقوفات آستان قدس تأمین و تحت نظارت متدینین شهر اداره می‌شد. (چمن، س ۲، ش ۵۷: ۱) حدود ۱۳۳۷ق. در قوچان نیز مکانی برای جمع‌آوری فقرا و تأمین خوراک و پوشاک آنان در نظر گرفته شد. (بهار، س ۲، ش ۴۲) فکر تأسیس نوانخانه در بیرجند، نخست از سوی شوکت‌الملک علم حاکم بیرجند و قائنات در ۱۳۳۵ق. مطرح شد و نظام‌نامه آن به صورت مکتوب درآمد. با این حال، عملی شدن این تصمیم دو سال بعد (۱۳۳۷ق.) امکان پذیر شد. اجرای این تصمیم نیازمند افرادی بود که با حمایت مالی و معنوی روند تأسیس آن را تسریع بخشند. متعاقباً این سال در اداره حکومتی شهر با حضور بزرگان و ثروتمندان شهر که تحت عنوان «علما و محترمین» از آنان یاد شده است جلساتی تشکیل و بخشنامه‌هایی منتشر شد. همچنین از متولیان موقوفات شهر بیرجند درخواست شد تا میزان درآمد ملک موقوفه خود را به اداره حکومت شهر بیرجند اعلام کنند. هدف شوکت‌الملک از این اقدام، برآورد میزان عوایدی بود که می‌توانست به او در تأسیس نوانخانه کمک کند. (ساکماق، ۸۳۶۷: ۵-۴-۳۷)

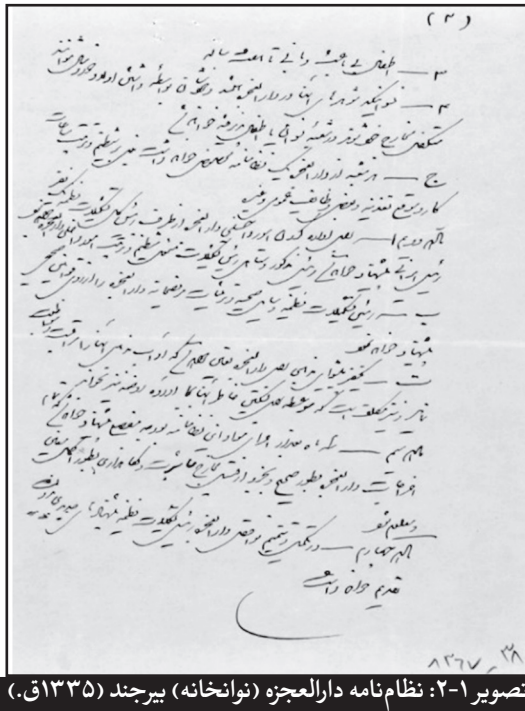
برای تأسیس نوانخانه ابتدا کمیسیونی از افراد مختلف، به ویژه افراد نظمی تشکیل شد. افرادی که در این کمیسیون شرکت داشتند شامل مازور استوار معاون پلیس اونیفورمه، مازور

محمودخان معاون مجلس، سرتیپ حضور قائم مقام معاون قائنات، میرزا باقرخان کمیسر قائنات، محمد رفیع خان کمیسر ناحیه هشت، رکن الدین خان کمیسر ناحیه دو و دکتر امیرخان طبیب نظمیہ بود. (ساکماق، ۸۳۶۷۳۷: ۳۷) علاوه بر این‌ها، افراد متمکن و علمای درجه اول شهر در این کمیسیون شرکت و در نظر داشتند مقداری از دارایی خود را صرف تأمین هزینه‌های نوانخانه کنند. اعضای کمیسیون نظام‌نامه‌ای را تنظیم و با رأی اکثریت پذیرفته شد و برای به اجرا درآوردن مواد نظام‌نامه، آن را به دفتر کمیسیون نوانخانه فرستادند تا بر اساس آن اقدام به تأسیس نوانخانه شود. کمیسیون مذکور، برای اتمام فرایند مقدماتی تأسیس نوانخانه و نظام‌نامه آن، طی نامه‌ای در ۲۵ جمادی الآخر ۱۳۳۷ق. از اعضای کمیسیون و علمای درجه اول شهر دعوت کرد تا در جلسه اداره حکومتی جهت بررسی و تأیید مواد نظام‌نامه شرکت کنند. (ساکماق، ۷۴۱۹۱: ۲-۶)

نظام‌نامه نوانخانه بیرجند مشتمل بر چهار ماده و در آن شرایط پذیرش افراد و نوع تشکیلات نوانخانه مطرح شده بود. پس از تصویب نظام‌نامه، محمدرولی اسدی آن را برای شوکت‌الملک فرستاد و از او درخواست کرد موارد اصلاحی موردنیاز را مشخص نماید تا در نظام‌نامه اعمال شود. (ساکماق، ۷۴۱۹۱: ۳) شوکت‌الملک بار دیگر برای به نتیجه رساندن امر تأسیس نوانخانه، خواستار حضور اعضای کمیسیون به اتفاق علمای درجه اول در دارالحکومه شد. سرانجام مواد نظام‌نامه تحت عنوان «پیشنهاد اساسی راجع به تأسیس دارالعجزه» در چهار ماده تنظیم شد، ماده‌های اول و دوم آن دارای بندهایی بود. ماده اول در پنج بند و ماده دوم در سه بند تنظیم شد. (تصاویر ۱-۲) در ماده نخست نظام‌نامه، با توجه به اوضاع و شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه و ناتوانی افراد معلول و عاجز از تأمین مایحتاج زندگی، به تشکیل مکانی به نام «دارالعجزه» تحت نظارت و ریاست رئیس کل تشکیلات نظمیہ، برای نگهداری آنان اشاره شده است. گویا حضور تعداد حداکثری افراد نظمیہ در کمیسیون به این دلیل بود که موافقت شد در ابتدای تأسیس نوانخانه، اداره امور نوانخانه بر عهده اداره نظمیہ بیرجند قرار گیرد. محتوای ماده اول روشن می‌سازد که دارالعجزه به سه بخش مردانه و زنانه و خردسالان تقسیم شد و مقرر شد به صورت مجزا برای ساعات کاری، وظایف عمومی و زمان تغذیه هر بخش، نظام‌نامه‌ای تدوین شود. علاوه بر این موارد، در این ماده به شرایط پذیرش افرادی که می‌توانند تحت حمایت دارالعجزه قرار گیرند، اشاره شده است، مانند افرادی که دچار نقص عضو شده‌اند، کودکان، افراد ناتوان و ناقص‌الخلقه تا هفت سالگی و زنانی که به علت حضور

همسرانشان در دارالعجزه قادر به تأمین مخارج زندگی خود و فرزندانشان نبودند. (تصاویر ۱-۲) از آنجاکه رسیدگی به امور دینی نوانخانه و انجام تکالیف دینی و تسلی خاطر افراد تحت‌الحمایه یک امر ضروری بود، ماده دوم مربوط به انتصاب یک شهروند ایرانی از سوی رئیس کل تشکیلات نظمیه جهت اداره امور داخلی دارالعجزه و ترتیب امور، جهت برپایی یک مریضخانه برای این مکان است و تعیین یک پیشوای مذهبی جهت نظارت در امور مذهبی و موعظه افراد در اولویت قرار گرفت. (تصاویر ۱-۲) در ماده سوم، وعده پیشنهاد بودجه‌ای برای مخارج دارالعجزه سه ماه پس از اجرای این مواد داده شده است. ماده چهارم نیز مبنی بر تسلیم پیشنهادهای جدید رئیس تشکیلات نظمیه جهت تکمیل دارالعجزه به دولت بود. (تصاویر ۱-۲) مواد نظام‌نامه ساده، صریح، روشن و هدف اصلی آن حمایت از افراد ناتوان و فقرا و کسانی بود که قادر به تأمین نیازهای اولیه خود و خانواده‌هایشان نبودند.





تصویر ۱-۲: نظام نامه دارالعجزه (نوانخانه) بیرجند (۱۳۳۵ق.)

در ۱۳۳۷ق. پس از تدوین نظام نامه دارالعجزه، ابتدا مکانی موقت برای استقرار افراد فقیر و ناتوان در نظر گرفته شد. تعداد این افراد در آغاز به دلیل گنجایش ساختمان حدود چهل نفر بود و زن و مرد در یک محل سکونت داشتند. ساختمان اولیه آن در داخل شهر قرار داشت و برای حفظ سلامت عمومی و رفاه شهروندان مناسب نبود. بنابراین برای اجتناب از شیوع بیماری‌های مسری و حفظ بهداشت عمومی تصمیم گرفته شد برای زنان مکان دیگری اجاره شود. بنابراین از سوی کمیسیون زمین مناسبی برای ساختمان نوانخانه در اراضی عباس آباد در خارج از شهر در نظر گرفته شد و در آنجا ساختمان مجزا و دائمی برای سکونت افراد نوانخانه و نیز اعضای کمیسیون ساخته شد. (ساکماق، ۱۹۱۷: ۲-۸) در ابتدای ساخت نوانخانه، محمدرولی اسدی ریاست کمیسیون آن را عهده دار شد. او از زمان نوشتن نظام نامه تا مرحله ساخت ساختمان دائمی و نحوه به دست آوردن عایدات برای اداره آن، نقش مهمی ایفا کرد. (سوزنجی، ۱۳۸۷: ۹۳) ساختمان نوانخانه در اراضی عباس آباد. (هم اکنون مشهور به عنابستان)، ساخته شد. نمای ساختمان از خشت و گل و محوطه آن چهارگوشه با اتاق‌های چهارسو بود. (سالک، ۱۳۸۸) این ساختمان دارای بیست و شش اتاق بیست و چهار متری، آشپزخانه و انبار بود. (خزاعی، ۱۳۸۸) سیزده اتاق آن بعدها به انبار شهرداری اختصاص

یافت. ساختمان نوانخانه در فضای وسیع به نحوی طراحی شده بود که هنگام نیاز به قسمت زنانه و مردانه قابل تبدیل و هرکدام ورودی و خروجی مجزایی داشته باشند. (منصف، ۱۳۵۴: ۱۴) نوانخانه به تدریج با پیشرفت شهرنشینی در داخل شهر قرار گرفت. (خلیرانی، ۱۳۸۸) ساختمان نوانخانه دارای دو بخش زنانه و مردانه بود. (سالک، ۱۳۸۸) در قسمت مردان، اطفال نیز زندگی می‌کردند. به قسمتی که اطفال در آن نگهداری می‌شد «دارالایتام» و بعدها «دارالتربیه» می‌گفتند. در آن علاوه بر اطفال بی‌سرپرست، اطفال خانواده‌های فقیر نیز نگهداری می‌شدند. در هر اتاق، چهار یا پنج کودک نگهداری می‌شد. آموزش اطفال جزئی از قوانین نوانخانه محسوب می‌شد. این تعلیمات شامل آموزش نجاری و قالی‌بافی بود. به پسرها مهارت‌های نجاری و به دختران فنون قالی‌بافی آموزش داده می‌شد. (غنی، ۱۳۸۸: ۱۳۵۴: ۱۴۲) دو اتاق از نوانخانه، کارگاه قالی‌بافی و به دار قالیبافی مجهز بود. علاوه بر قالی‌بافی، به دختران بافندگی جوراب و دستکش نیز آموزش داده می‌شد. در کنار آموزش‌های فنی به اطفال، کلاس‌های درسی شامل پایه اول، دوم و سوم در نوانخانه تشکیل می‌شد. دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در پایه چهارم و غیره توسط یک نفر مسئول به شهر آورده می‌شدند. (غنی، ۱۳۸۸) آن‌ها دارای یونیفورم مخصوص به نام «معارفی» بودند. (غنی، ۱۳۸۸: ۱۳۸۸) که مشخصه بچه‌های نوانخانه بود. این دانش‌آموزان بعد از اتمام مدرسه به دبیرستان یا دانشسرا می‌رفتند که هزینه این مقطع تحصیلی توسط شوکت‌الملک علم پرداخت می‌شد. در دوره پهلوی اول و بعدها پهلوی دوم، دانش‌آموزان نوانخانه، بعد از اتمام تحصیلات و دریافت دیپلم، در دستگاه‌های اداری مشغول به کار شدند. برخی نیز در ارتش یا ژاندارمری استخدام شدند. (غنی، ۱۳۸۸) فعالیت نوانخانه تقریباً تا ۱۳۱۲ ش. ادامه داشت، اما در این سال بنا به دلایلی نامعلوم، مدتی نوانخانه تعطیل شد و کارکردی نداشت. (ساکماق، ۹۷۸۱۴: ۴)

باین حال، در اواخر دوره پهلوی اول (۱۳۱۹ ش.)، فعالیت نوانخانه مجدد آغاز شد. بر اساس گزارشی که از ۱۳۱۹ ش. موجود است، وضعیت نوانخانه و امکانات رفاهی برای ساکنان آن بدین‌گونه شرح داده شده است: «نوانخانه در جنوب غربی بیرجند مشرف بر صحرای کشمان قرار گرفته است. دارای دوازده آسایشگاه زمستانی و دوازده آسایشگاه تابستانی است که هر یک به‌طور متوسط صلاحیت سکونت بیست نفر را دارا می‌باشد. روشنایی و هواکش اتاق‌ها با دقت کامل تهیه گردیده به‌طوری‌که برای تهویه بیش از چند دقیقه وقت لازم نیست. انبار خواروبار و سوخت و آشپزخانه و سایر قسمت‌های موردنیاز این بنگاه را

در قسمت شرقی ساخته و پرداخته‌اند. وسایل کرسی و استراحت شب به قدر لزوم نفرات در دسترس هر اتاق دار گذارده شده. پاسبان هر اتاق موظف است که در نظافت و تهویه اتاق مراقبت کامل به عمل آورد. برای اطفال به کمک اداره فرهنگ شهرستان بیرجند کلاس درس مختلطی آماده شده و هر روز سه ساعت بچه‌های بینوا تحت نظر آموزگار انحصاری خود به آموزش و پرورش می‌پردازند. بهداشت بینوایان تحت نظر پزشک اداره بهداشتی مراقبت شده و هر سه روز یک مرتبه معاینه از کلیه نفرات به عمل می‌آید. (آزادی، س ۱۵-۱۷، ش ۲۰۱۸: ۲) گویا به علت بهبود وضعیت نوانخانه در این سال، تعداد ساکنان نوانخانه بر طبق آمار آورده شده، صد و نودوهفت نفر بود و مشاهده می‌شود در این سال افزایش بیشتری نسبت به سال‌های قبل و بعد از خود داشته است. نوانخانه در ۱۳۲۴ ش. بخشی مجزا برای مراقبت و نگهداری بیماران، به نام «بهداری نواخانه» داشت که سرپرستی آن با فردی به نام تیمورپور بود و داروهای بیماران در بهداشتی تأمین و به بیماران تحویل داده می‌شد. (ساکماق، ۱۵: ۷۴۵: ۲) بدین ترتیب، نوانخانه تقریباً به صورت مستقل، امکانات بهداشتی و مسئولیت سلامتی افراد را بر عهده داشت.

ساکنان نوانخانه از آغاز تأسیس تا پایان آن

از آغاز تأسیس نوانخانه تا زمان تعطیلی آن، افراد مختلفی در آنجا سکونت داشتند که تعداد آنان در طول این دوره متغیر بود. در ابتدا افراد ناتوان و خانواده‌های فقیر، اما به مرور زمان گدایان و متکدیانی که در شهر برای عابران مزاحمت ایجاد می‌کردند نیز توسط شهرداری جمع‌آوری و به نوانخانه تحویل داده می‌شدند. (ساکماق، ۴۱: ۷۵؛ ۱۲: ۷۴؛ ۶۷۴۷: ۳) همچنین مهاجرانی از روستاهای اطراف بیرجند چون خوسف، گل‌فریز، خلیران، نوفرست و غیره در آنجا ساکن بودند. (حسینی، ۱۳۸۸) از اسناد و گزارش‌های موجود چنین برمی‌آید که افراد تحت حمایت نوانخانه، دائم و با توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی شهر و گاه منطقه در حال تغییر بوده است، چنانکه در ۱۳۲۲ ش. لطفی شهردار بیرجند، طی نامه‌ای به علوی، مدیر نوانخانه دستور جمع‌آوری گدایان و متکدیان شهر را داد. در این آگهی به مباشرین نوانخانه دستور داده شد: «اولاً هر موقع گدا و عجزه را رفتگر یا مأمورین شهرداری تحویل دهند بدون عذر پذیرفته و هزینه آن‌ها را به طور موقت منظور دارند، ثانیاً آن‌هایی که قادر به انجام کار باشند تا زمان تصمیم قطعی هیات انجمن، برای همه‌روزه برای کار بنایی

در شهرداری فرستاده شوند و اجرت آن‌ها به نماینده نوانخانه جهت هزینه آن‌ها پرداخت شود که تحمیلی هم بر بودجه نوانخانه از آن حیث واقع نشود». (ساکماق، ۱۲:۷۴۲۱۷) این مطلب نشان می‌دهد که مسئولان نوانخانه به دلیل اوضاع نامناسب مالی نوانخانه و کسری بودجه و احتمالاً کمبود مکان در این سال‌ها از پذیرفتن افراد فقیر خودداری می‌کردند، به طوری که شهردار وقت از روی اجبار این دستور را صادر کرده است.

در ۱۳۲۴ ش. احتمالاً بعد از بهبود اوضاع نوانخانه یک آگهی از سوی لطفی شهردار وقت بیرجند برای جمع‌آوری و نگهداری متکدیان و انتقال افراد کم سن و بیمار به نوانخانه منتشر شد. از مطالب مندرج در این آگهی این بود که کودکان بی سرپرست کمتر از نه سال و اشخاص عاجز و ناتوان به نوانخانه انتقال و به علوی مدیر وقت نوانخانه دستور داده شد تا این اشخاص را تحویل و در نوانخانه نگهداری کند. همچنین دستور داده شد لباس‌هایی برای زنان متکدی تهیه شود. (ساکماق، ۱:۷۵۴۱) علاوه بر این افراد، اشخاص مبتلا به اعتیاد نیز از سطح شهر جمع‌آوری و در نوانخانه نگهداری می‌شدند و برای جلوگیری از فرار این افراد، به آنان کوپن تریاک داده می‌شد. (غنی، ۱۳۸۸) از دیگر ساکنان نوانخانه، اطفال سرراهی بودند که به نوانخانه آورده می‌شدند. این کودکان توسط خانواده‌های حاضر در نوانخانه به فرزندی گرفته شده، نگهداری و تربیت می‌شدند و تأمین احتیاجات آنان بر عهده مسئولین نوانخانه بود. همچنین افراد دیوانه و کودکان گمشده از سوی شهرداری جمع‌آوری و به نوانخانه آورده می‌شدند. (حسینی، ۱۳۸۸)

بنا به روایت برخی شاهدان، نوانخانه در دهه‌های سی و چهل شمسی، اختصاص به دانش‌آموزان بی‌بضاعت داشت که در سنین دبستان و دبیرستان مشغول تحصیل بودند و توان تأمین مخارج تحصیل را نداشتند. بنابراین، این افراد به صورت شبانه‌روزی در نوانخانه زندگی می‌کردند و هزینه تحصیلات آنان از سوی شهرداری پرداخت می‌شد. (حسینی، ۱۳۸۸؛ سالک، ۱۳۸۸) اتاق‌هایی که دانش‌آموزان در آن حضور داشتند دارای تخت‌های چوبی بود و از ظاهری مرتب و تمیز برخوردار بود و دانش‌آموزان به صورت چند نفری در آن اسکان داشتند. آنان از نظر خوراک و پوشاک در وضعیت مطلوبی به سر می‌بردند. (سالک، ۱۳۸۸) دانش‌آموزان با مهارت خاص، امکاناتی در اختیارشان قرار می‌گرفت تا بتوانند از طریق آن مهارت، برای خود درآمدی کسب کنند. (حسینی، ۱۳۸۸) بعدها علاوه بر دانش‌آموزان، خانواده‌های بی‌بضاعت و افراد کهنسال نیز در نوانخانه نگهداری می‌شدند. برخی از افراد

نوانخانه کار مستقلی داشتند و درآمد آنان برای تأمین نیازهای خودشان مصرف می‌شد. (حسینی، ۱۳۸۸)

در مورد تعداد افراد تحت پوشش نوانخانه بیرجند آمار پیوسته‌ای در دست نیست و آگاهی‌های نسبتاً اندکی از برخی دوره‌ها در دست است. در ابتدای تأسیس نوانخانه تعداد افرادی که در آنجا حضور داشتند حدود چهل نفر بود که این تعداد در ۱۳۴۰ ق. به چهل و هفت نفر رسید و به دلیل ناتوانی در تهیه امکانات از پذیرفتن افراد بیشتر خودداری شد. (ساکماق، ۱۳۷۰: ۱) بر اساس گزارشی در روزنامه آزادی مورخه اسفند ۱۳۱۹ ش. مجموعاً ۱۹۷ نفر شامل مرد، زن، اطفال و شیرخوارگان در نوانخانه بودند. (آزادی، س ۱۵-۱۷، ش ۲۰۱۸: ۲) همچنین در گزارشی دیگر از روزنامه آزادی در همان ماه و سال به وجود دفتری به نام «دفتر آمار و مشخصات بینوایان» در نوانخانه اشاره شده است که اکنون موجود نیست. در این گزارش آمده است در ۱۳۱۹ ش. تعداد افراد معلول و به‌طورکلی از کار افتاده ۲۷ مرد و ۶۵ زن، مبتلایان به ایفون ۳۲ مرد و ۱۰۸ زن بوده است و اشاره شده که معتادان تحت نظر پزشک قصد ترک اعتیاد دارند. (همان) به علاوه در این سال نوانخانه دارای ۲۹ کودک بود که به تحصیل اشتغال داشتند. بر اساس این گزارش، تعداد افراد تحت پوشش نوانخانه حدود ۲۶۱ نفر بود و همان‌طور که مشاهده می‌شود با گزارش دیگر در این سال تفاوت زیادی در بیان تعداد افراد وجود دارد. احتمال می‌رود تفاوت آمار به دو دلیل باشد. اول اینکه با توجه به آمار آورده شده از دفتر آمار و مشخصات بینوایان در بیان سال آن دچار اشتباه شده باشد و دوم اینکه تمام افرادی که تحت حمایت مالی نوانخانه بوده‌اند چه در داخل نوانخانه و چه در خارج از نوانخانه را در این آمار ذکر کرده باشد. مبنی بر این گزارش، افراد ساکن در نوانخانه شامل کودکان، معلولان و افراد مبتلا به اعتیاد بودند که برای هرکدام از آنان با توجه به شرایطشان، امکانات و برنامه‌هایی مناسب در نظر گرفته شده و در موقعیت تقریباً مطلوبی قرار داشتند.

در ۱۳۲۲ ش. تغییراتی در خصوص نگهداری افراد ساکن در نوانخانه به وجود آمد. در این سال حدود ۲۳ نفر از افراد ساکن در نوانخانه از بودجه نوانخانه کسر و با تأمین هزینه مسافرت، آنان را به وطنشان بازگرداندند. افراد مذکور بیشتر کسانی بودند که توانایی مالی نداشتند، اما قادر به انجام کار بودند. رساندن افراد مذکور بر عهده مأمورین ژاندارمری بود. این مأمورین موظف بودند که بعد از رساندن این افراد به محل زندگی‌شان، از کد خدا یا معتمد آن محل رسیدی اخذ و به اداره شهرداری بیرجند تحویل دهند. (ساکماق، ۱۳۷۴: ۱۹-۱۸) پس از جابه‌جایی‌های

مزبور، تعداد افراد باقیمانده در نوانخانه حدود ۱۳۱ نفر بوده که ده نفر از آنان کارمند و در خارج از نوانخانه سکونت داشتند. این افراد می‌بایست جهت تهیه قند و تریاک مصرفی، مستقیماً به اداره دارایی مراجعه می‌کردند. حدود صد و یازده نفر از آنان دارای کوپن و شناسنامه بودند و از طرف اداره دارایی بیرجند برای آنان کوپن قند و تریاک پرداخت می‌شد و تعداد ده نفر دیگر نیز فاقد شناسنامه بودند، اما معتاد به تریاک نبودند. تهیه این اقلام بر عهده حسابدار نوانخانه به نام مسکرپور بود. شناسنامه و کوپن افرادی که به مرخصی می‌رفتند یا فوت می‌کردند، توسط مدیر نوانخانه به شهرداری تحویل داده می‌شد. (آزادی، س ۱۵-۱۷، ش ۲۰۱۸: ۲)

در مورد آمار افراد حاضر در نوانخانه از ۱۳۲۲ ش. تا ۱۳۶۷ ش. آگاهی‌های منسجم و منظمی در اسناد تاریخی وجود ندارد. در ۱۳۶۳ ش. (سال‌های پایانی فعالیت نوانخانه)، افراد نیازمندی که از آنان در اسناد شهرداری بیرجند با عنوان «جیره‌بگیر نوانخانه» یاد شده است، هم در داخل و هم در خارج از نوانخانه سکونت و توسط کمیته امداد امام حمایت می‌شدند. از این تعداد، حدود ۳۰ نفر در نوانخانه و حدود ۷۲ خانواده در خارج از نوانخانه سکونت داشتند که تحت حمایت مالی کمیته امداد بودند. همچنین شهرداری در این سال مکانی را به صورت رایگان و موقت در اختیار ساکنان نوانخانه قرار داد. (اسناد شهرداری بیرجند: ۶۴۸۴) علاوه بر این، در خبری مختصر در یکی از اسناد شهرداری بیرجند، تعداد افراد حاضر در نوانخانه (۱۳۶۷ ش.) بیست نفر اعلام شده است. (همان: ۱۰۵۱۴) این تعداد در اوایل ۱۳۶۹ ش. به ۱۱ نفر کاهش یافت و در اواخر همین سال بار دیگر افزایش یافته و به ۲۲ نفر رسید. (همان: ۱۷۳۴۲)

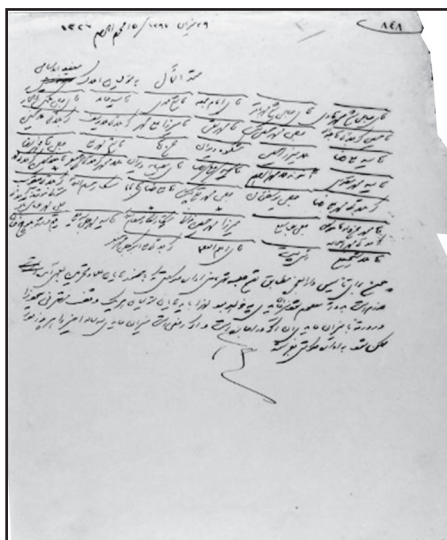
جدول ۱: آمار افراد نوانخانه طی سال‌های متفاوت فعالیت (اسناد شهرداری بیرجند)

سال	۱۲۹۷ ش.	۱۳۰۱ ش.	۱۳۱۹ ش.	۱۳۲۲ ش.	۱۳۶۳ ش.	۱۳۶۷ ش.	۱۳۶۸ ش.	۱۳۶۹ ش.
تعداد	۴۰	۴۷	۱۹۷-۲۶۱	۱۳۱	۳۰	۲۰	۱۱	۲۲

آمار مذکور در مورد تعداد افراد ساکن در نوانخانه در سال‌های متفاوت نشان می‌دهد که از ۱۳۳۶ ق. تا ۱۳۶۹ ش. پایان فعالیت نوانخانه (تقریباً ۷۲ سال)، اطلاعات بسیار اندک، ناقص، پراکنده و گاهی متناقض است. به عنوان مثال، در ۱۳۱۹ ش. شاهد دو آمار متفاوت هستیم که به دلیل کمبود اطلاعات و منابع مورد بررسی نمی‌توان با قطعیت درباره صحت تعداد آن اظهار نظر کرد.

منابع مالی نوانخانه و چگونگی هزینه کردن آن‌ها

هرچند بنیان نوانخانه به دست افراد حکومتی و دولتی نهاده شد، اما تأمین هزینه‌های آن فقط بر عهده دولت نبود، بلکه از همان آغاز تأسیس، برای تأمین نیازهای افراد و نگهداری بهتر از آنان، منابع مالی خاصی برای آن تعریف شد. این منابع مالی از دو طریق تأمین می‌شد: کمک‌های مردمی و حمایت‌های دولتی. کمک‌های مردمی یا به صورت وقف بود و یا از طریق آگهی‌هایی که از سوی شهرداری یا فرمانداری به صورت فراخوان منتشر و در آن از مردم درخواست کمک مالی می‌شد. دیگر منبع درآمد نوانخانه، املاک موقوفه در بیرجند بود. در ماده چهارم نظام‌نامه نوانخانه قیدشده بود که قسمتی از درآمد نوانخانه می‌بایست از طریق وقف و متولیان آن‌که در بیرجند سکونت داشته و در حدود یک‌دهم از کلیه درآمد همان سال یا درآمد سه سال اخیر ملک موقوفه تأمین و به دفتر کمیسیون دارالعجزه پرداخت شود. با گذشت مدت‌زمانی از تأسیس دارالعجزه، از آنجاکه از سوی متولیان وقف کمکی انجام نشد، دولت با ارسال اخطاریه‌هایی برای آنان، تقاضای تأمین درآمد نوانخانه را داشت. (ساکماق، ۱۳۶۷: ۳-۹، ۷۴۱۹۱) بعد از فرستادن این اخطاریه‌ها ۴۲ نفر از واقفان بیرجند کمک‌های مالی خود را به نوانخانه فرستادند. (تصویر ۳)



تصویر ۳: فهرست متولیان موقوفات (۱۲۹۷ ش.)

از دیگر منابع درآمد نوانخانه، کمک‌هایی بود که از سوی ثروتمندان شهر از جمله شوکت‌الملک علم می‌شد. در ابتدای تأسیس نوانخانه، شوکت‌الملک مبلغی در حدود ۲۵۰۰

تومان و محدودلی اسدی ۱۲۰ تومان به نوانخانه پرداخت کردند و سایر مبالغ جمع‌آوری شده از هر فرد کمتر از ۲۰ تومان بود. از آنجا که تأسیس دارال‌العجزة به پیشنهاد و تلاش شخص شوکت‌الملک انجام شد، او بیشترین کمک را به نوانخانه می‌کرد. (سوزنچی، ۱۳۸۷: ۹۳) در ۱۳۰۵ ش. نوانخانه (دارال‌العجزة بیرجند)، دارای صندوقی بود که کمک‌های مالی مردم را جمع‌آوری و بابت آن قبض صادر می‌کرد. (ساکماق، ۵۴۵۵: ۵) در این زمان، نوانخانه با تشکیلات نسبتاً مستقل زیر نظر شهرداری بیرجند که «کمسیون بلدی» نام داشت، اداره می‌شد و شهرداری مسئول تأمین هزینه‌های نوانخانه بود. احمد محسن‌زاده تحویلدار نوانخانه در ۱۳۰۵ ش. دارای تجارتخانه‌ای به نام «تجارتخانه احمد محسن‌زاده» در بیرجند بود و کمک‌های مردمی از طریق همین تجارتخانه به نوانخانه می‌رسید. (ساکماق، ۱: ۷۹۴۸) به نظر می‌رسد در همین سال و برای تحت نظارت درآوردن اوضاع مالی نوانخانه و نیز برای جمع‌آوری درآمدها و عایدات نوانخانه و ثبت و ضبط کمک‌های مردمی، محلی به نام «دفتر ثبت عایدات» به وجود آمد که عواید نوانخانه را به صورت جنسی و نقدی جمع‌آوری و به همراه قبض رسید آن به حکومت بیرجند ارسال می‌کرد که در آن زمان به عهده شوکت‌الملک علم بود. در ۱۳۰۵ ش. از سوی «دفتر ثبت عایدات» مقدار سه خروار گندم و مبلغ نود تومان وجه نقد به نزد شوکت‌الملک علم فرستاده شد. (ساکماق، ۵۴۵۵: ۲) گاهی اوقات، کمک به نوانخانه از سوی دولتهای خارجی انجام می‌گرفت. در اوایل دوره پهلوی دوم کمک‌های دارویی از سوی دولت انگلیس به نوانخانه شد. در ۱۳۲۱ ش. دولت انگلیس معادل ده هزار ریال دارو از هندوستان خریداری و به نوانخانه اهدا کرد. (ساکماق، ۷۴۲۱۷: ۵) در سال‌های بعد شاهد کمک‌های دارویی پزشکان ایرانی به نوانخانه هستیم. در ۱۳۲۴ ش. از سوی دکتر فضل‌الحق داروهای مختلف به بهداری نوانخانه تحویل داده شد. (ساکماق، ۷۴۵۱۵: ۲)

نوانخانه از زمان شروع به فعالیت. (۱۳۳۷ ق. / ۱۹۱۹ م.) و بر اساس نظام‌نامه اولیه آن زیر نظر اداره نظمیة اداره می‌شد. در دوره پهلوی، هنگامی که شهرداری اداره آن را عهده‌دار شد، برای اداره و تأمین هزینه‌های نوانخانه به اقدامات مختلفی پرداخت، از جمله اینکه شهرداری آگهی‌هایی در شهر منتشر و از مردم بیرجند درخواست می‌کرد مبالغی را به عنوان کمک به نوانخانه به شماره حسابی که به همین منظور در بانک کشاورزی افتتاح شده بود، واریز نمایند. در یکی از این آگهی‌ها که از سوی لطفی، شهردار بیرجند، منتشر شده، آمده است: «... ناگزیرم از اینکه از همشهریان محترم در این کار خیر تمنای معاضدت و همکاری نمایم

تا شاید با لطف و مرحمت ایشان بتوانم به این وضعیت رقت بار تأسف‌انگیز خاتمه داده [...] عابرین خیابان و کوچه و بازار را از دست متکدیان رهایی و گوش سکنه منازل را از صداهای دلخراش ایشان آسایش دهم [...]». (ساکماق، ۷۵۴۱: ۴)

در ۱۳۲۳ش. به دستور علم از سوی اداره دارایی استان خراسان، معادل ۶۰۰ متر پارچه برای تهیه ملزومات و پوشاک افراد به نوانخانه فرستاده شد. (ساکماق، ۶۷۴۷: ۴) در همین سال نیز از سوی فرمانداری بیرجند برای جمع‌آوری و نگهداری بینوایان این شهر اقدام به جمع‌آوری اعانه از اهالی بیرجند شد. این اقدام با استقبال عمومی مواجه شد. به گفته روزنامه دادگستران، مبالغ اهدا شده صرف تأسیس گرمخانه‌ای^۱ به ظرفیت ۱۵۰ نفر شد. تعداد افرادی که در این سال به نوانخانه کمک کردند در حدود ۵۵ نفر بود و اقشار مختلفی چون پزشکان، نظامیان و مراکز همچون کنسولگری انگلیس، انجمن خیریه شهر، بانک ملی ایران و بانک کشاورزی را شامل می‌شد و کمک‌های نقدی و جنسی را در برمی‌گرفت. اسامی برخی از این افراد به همراه مبالغ و اجناس اهدایی آن‌ها در این روزنامه آمده است. (دادگستران، س ۱، ش ۴: ۲) در آگهی دیگری از سوی شهرداری مبالغ اهدایی مردم و خیرین بیرجند، مشخص شده است. (در حدود ۲۱۰۹۰ ریال) از این مبلغ حدود ۲۱۰۹ ریال و ۵۰ دینار ریال صرف خرید اثاثیه و لوازم و لباس و ۹۲۱۵ ریال و ۱۵ دینار ریال هزینه صرف نگهداری پانزده‌روزه [۱۲۸۰] نفر و ۲۳۸۶ ریال و ۱۵ دینار صرف خرید هیزم و بعضی اجناس خواروبار شده است و باقیمانده که در حدود ۵۸۷۸ ریال بود، در بانک کشاورزی نگهداری می‌شد. در پایان آگهی دوباره از مردم کمک نقدی طلب و بیان شده است که برای نگهداری افراد متکدی نوانخانه نیازمند کمک اهالی هستیم، در غیر این صورت، به دلیل کمبود بودجه مجبور به اخراج این افراد از نوانخانه خواهیم بود. (ساکماق، ۷۵۴۱: ۴)

برای جمع‌آوری کمک مالی به نوانخانه، شریف، فرماندار بیرجند، در ۱۳۲۳ش. نامه‌ای به چندین بخش ارسال و از آنان برای اداره امور مالی و تأمین احتیاجات نوانخانه درخواست کمک کرد. از جمله موارد مذکور در نامه این است که فرمانداری برای کمک به بینوایان و افراد فقیر و جلوگیری از تلفات آنان بر اثر شدت فقر و سرما و گرسنگی قصد دارد به اقداماتی بپردازد. این اقدامات زیر نظر فرمانداری و شخص خیر صورت می‌گرفت تا کلیه اعانات دریافتی از آن شخص و به مسئولیت یک نفر مورد اعتماد به مصرف حقیقی برسد. در مورد طرز تقسیم

۱. خانه‌ای که در زیرزمین برای سکونت ایام سرما سازند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۲).

اعانات نیز برنامه ریزی هایی از سوی فرمانداری طرح شد، چنانکه در هر محله از شهر بیرجند، یک نفر از رؤسای ادارات که خانه او نزدیک تر به محل باشد، به عنوان منشی انتخاب و با نظارت دو نفر از معتمدین ساکن همان محل، نیازمندان را صورت برداری و نوع احتیاجات آنان را بنویسند و برایشان حواله هایی با نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه صادر و به فرمانداری شهر ارسال کنند. متعاقباً فرمانداری کمک های نقدی و جنسی جمع آوری شده را که نزد شخص امین و معتمدی بود، از طریق همان حواله ها به افراد نیازمند پرداخت کند. همچنین اعلام شد که صورت اعانات و مصارف هفتگی را از سوی فرمانداری در آخر هر هفته به اطلاع عموم رسانده می شود. (ساکماق، ۶۷۴۷: ۳)

شهرداری بیرجند، علاوه بر صدور آگهی و درخواست کمک از نهادها و مردم از راه های مختلف به تأمین این نیازها پرداخت. یکی از این راه ها، درآمد ناشی از اختلاف وزن و تفاوت قیمت خرید آرد و فروش نان محسوب می شد که بسیار ناچیز بود و در نوانخانه و تحت نظارت کمیسیون شهرداری به مصرف می رسید. (منصف، ۱۳۵۴: ۱۴۱) در سندی آمده است که از سوی اداره دارایی، مالی و اقتصادی بیرجند، مبلغی حدود ۲۲۷۶۴ ریال و ۳۵ دینار که ناشی از افزایش بهای نان بود در میان افراد نوانخانه تقسیم شده است. (ساکماق، ۷۴۲۱: ۳۹) در گزارشی از ۱۳۱۹ ش. که در روزنامه آزادی به چاپ رسید، خلاصه درآمد و هزینه نوانخانه را ظرف مدت ۷۱ روز (از بیست آذر لغایت بهمن) به این صورت آورده است:

جدول ۲: نمونه ای از خلاصه درآمد نوانخانه در ۱۳۱۹ ش. (آزادی، س ۱۵-۱۷، ش ۲۰۱۸)

درآمد	مبلغ به ریال	هزینه	مبلغ به ریال
عطیه ملوکانه	۴۰۰۰۰	مخارج مقدماتی تعمیر ساختمان	۴۷۸۳/۷۵
بابت اعتبار شهرداری	۱۲۷۵۱	خرید اثاثیه، ملبوس و پوشاک	۲۱۶۵۳/۵۵
اعانات متفرقه	۱۹۸۰۰/۴	هزینه خواروبار، سوخت و حقوق آشپز و انباردار	۲۴۲۴۲/۵۵

در این گزارش آمده است: «اعانات تحویلی صندوق نوانخانه وجوهی است که بزرگان و نوع پروران این شهر از دور و نزدیک برخی تلگرافاً و بعضی با پست و عدهای مستقیماً به میل و رغبت شخصی به این بنگاه اهدا کرده اند. از آن جمله آقایان منصف (نماینده مجلس شورای

ملی)، فرزانه، عبدالله زاده، کاوسی و صمدی (از تجار و ملاکین محلی) یک هزار و دو هزار ریال و بیشتر پرداخت نموده‌اند. به پیشقدمی کارمندان فرهنگ قرار است عموم کارمندان دولتی این شهرستان ده یک اضافه حقوق ماه اول (بهمن) خود را برای کمک و اعانت به این بنگاه تخصیص دهند، ولی چون هنوز اجازه پرداخت برای همه نرسیده، نمی‌توان درآمد نوانخانه را از این محل به طور دقیق تعیین نمود». (آزادی، س ۱۵-۱۷، ش ۲۰۱۸: ۲) در بین افراد نوانخانه افرادی که قادر به انجام کار بودند، از سوی شهرداری برای کارهایی همچون بنایی و کارگری به خارج از نوانخانه فرستاده می‌شدند و دستمزد آنان به شهرداری پرداخت می‌شد تا برای تأمین احتیاجات نوانخانه به مصرف برسد و بخشی از درآمد نوانخانه محسوب می‌شد. در سیاهه‌ای متعلق به ۱۳۲۴ ش. خلاصه حساب درآمد هجده روزه نوانخانه از مورخه ۱۳۲۴/۱۰/۱۳ ش تا ۱۳۲۴/۱۰/۳۰ ش وجود دارد که نشان می‌دهد درآمدهای نوانخانه از طریق دریافت چک و کار افراد نوانخانه به دست می‌آمده است. (ساکماق، ۲۰۸۲۲: ۲) این خلاصه درآمد به شرح ذیل است:

جدول ۳: نمونه‌ای از خلاصه درآمد نوانخانه در ۱۳۲۴ ش. (ساکماق، ۲۰۸۲۲: ۱-۲)

شرح دریافتی درآمد	مبلغ (ریال)	شرح هزینه	مبلغ (ریال)
دریافتی ضمنی چک	۶۰۰۰	هزینه نفقات ضمن انبار	۱۴۳۱۷/۱۶
دریافتی ضمنی چک	۲۰۰۰	حقوق کلی به کارگران	۱۳۸۷/۳۰
اجرت حمالی	۶۰	کرایه دو ماهه	۳۰۰
دریافتی ضمنی چک	۲۰	اجناس موجودی طبق سیاهه	۱۸۵۸۹۵
اجرت ۴ نفر عمده	۳۰	هزینه متفرقه پانزده روز	۱۴۶۰
اجرت حمالی	۳۰	موجودی نقد	۱۸۰۰۰/۸۵
جمع کل	۱۵/۲۶۱		
اجرت حمالی	۲۰۰۰		
دریافتی ضمنی چک	۲۰۰۰		۱۸۲۶۲۰۰
اجرت دو نفر عمده	۱۰		
دریافتی ضمنی چک	۲۰۰۰		
اجرت عملجات	۱۱۲		
دریافتی ضمنی چک	۲۰۰۰		
جمع کل			۲۶۱/۱۵

بر اساس اسناد موجود، برای اتمام کار ساختمان آسایشگاه زیر نظر شهرداری، افرادی از نوانخانه که سابقه کارگری داشتند، به تعداد ده نفر و به مدت یک ماه متوالی و همه‌روزه از ساعت هفت صبح به نزد غلامرضا بناکار فرستاده می‌شدند. میزان دستمزد روزانه آنان نیز برای هر یک نفر مرد هشت ریال و یک نفر زن شش ریال بود. (ساکماق، ۷۴۲۱: ۹) سیاهه موردنظر در حدود ۲۶۱ ریال و ۱۵ دینار موجودی درآمد نوانخانه را نشان می‌دهد و مبلغی در حدود ۲۱۰۰ ریال در بانک کشاورزی موجود بود که صرف هزینه‌های جاری نوانخانه شد. (ساکماق، ۷۰۸۲۲: ۱) برای چگونگی مصرف درآمدهای نقدی نوانخانه گاه کمیسیون تشکیل و در مورد مصرف وجوهات نقدی برای افراد نوانخانه تصمیم‌گیری می‌شد. این جلسات در اداره خواروبار بیرجند و با حضور رؤسای ادارات تشکیل می‌شد. (ساکماق، ۷۴۲۱۷: ۲۶) در مواقعی نیز خانواده‌های متمکن بیرجند مسئولیت نگهداری و تربیت یک یا دو نفر از دختران یتیم نوانخانه را خواستار می‌شدند تا از آنان در اداره امور خانه‌هایشان استفاده کنند. (منصف، ۱۳۵۴: ۱۴۲) در مقطعی برای اداره بهتر امور مالی نوانخانه از سوی اداره دارایی وقت بیرجند برای افراد معتاد کوپن صادر می‌شد. طریقه توزیع کوپن تریاک در بین معتادان نوانخانه بدین صورت بود که برای مصرف خوردن در روز برای هر نفر نیم گرم و کشیدن دو ماه، هشتاد گرم تریاک داده می‌شد. تحویل کوپن بدین صورت بود که مسئول نوانخانه باید شناسنامه‌های افراد معتاد را به اداره دارایی ارائه و با تقاضانامه رسمی، برای آنان کوپن دریافت می‌کرد. (ساکماق، ۷۴۲۱۷: ۱۷) اشاره شد که در نوانخانه افراد معتاد نیز نگهداری می‌شدند. برخی مواقع امکانات مالی ویژه‌ای برای کمک به افرادی که خواهان ترک اعتیاد بودند، در نظر گرفته می‌شد. برای مثال در ۱۳۲۵ ش. از طرف اسدالله علم مبالغی برای ترک اعتیاد این افراد در نظر گرفته شد. (ساکماق، ۵۴۹۶۹)

شهرداری بیرجند مسئولیت تأمین غذا و پوشاک نوانخانه را بر عهده داشت. غذای نوانخانه از سوی کارمندان شهرداری که گاهی مسئولیت نوانخانه را نیز عهده‌دار بودند، تقسیم می‌شد. (خلیرانی، ۱۳۸۸؛ سالک، ۱۳۸۸) اسناد موجود در شهرداری بیرجند نشان دهنده کمک‌های جنسی شهرداری در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ شمسی به نوانخانه است. شهرداری این اجناس را از طریق مناقصه خریداری و به مصرف نوانخانه می‌رساند. بدین معنی که شهرداری قیمتی را برای اجناس مشخص و از داوطلبین برنده در مناقصه خریداری می‌کرد. صورت اجناس خریداری شده در مناقصه بدین شرح است: نان سنگک معمولی مرغوب، گوشت نیز، برنج

۵ کیلو، عدس ولایتی، لوبیا چشم بلبلی درجه ۲، روغن نباتی، پیاز، نمک طعام، زردچوبه، سیب زمینی، صابون بیرجندی، صابون رختشویی کوچک گلنار، نخود خام درشت. (اسناد شهرداری بیرجند: ۵۸۵۵) بنا بر سندی دیگر سیاهه خواروبار مورد نیاز نوانخانه برای ۲۸ نفر از نیازمندان ساکن آن در ۱۳۶۳ ش. عبارت بود از: تخم مرغ سی کیلو، کبریت بیست و دو جین، پنیر چهار کیلو و دو بیست گرم، پیاز شش کیلو و سیصد و چهل گرم، روغن نه کیلو و هشتصد گرم، رب گوجه فرنگی چهار کیلو، قند بیست و هفت کیلو، نخود خام پنج کیلو و چهارصد گرم، عدس بیست و هشت کیلو و ششصد و بیست و پنج گرم، چای یک کیلو و سیصد و پنجاه گرم، برنج دو بیست و چهل و سه کیلو، نمک بیست و سه بسته، قند شکسته سیزده کیلو و پانصد گرم. (همان: ۹۸۹۷) تأمین غذای افراد نوانخانه به صورت سه وعده غذا شامل صبحانه، نهار و شام بود. صبحانه شامل پنیر با تخم مرغ (همان: ۱۱۹۰۸) و نهار و شام شامل غذاهایی مانند آبگوشت، اشکنه، برنج و غیره بود. لوازم مورد نیاز که در ابتدای تأسیس نوانخانه از سوی هیئت کمیسیون تأمین شد، شامل گلیم، لحاف، بالش پشمی و مواد غذایی شامل عدس، گوشت، ادویه، نمک، سیب زمینی، روغن. ظرف مانند کاسه مسی، دیگ و ملاقه بود. (ساکماق، ۸۳۶۷: ۲)

از دیگر اقلام تهیه شده با هزینه نوانخانه، تأمین لباس برای افراد ساکن در آنجا بود. در ۱۳۲۲ ش. حدود ۸۷۰ متر پارچه برای لباس ساکنان نوانخانه از «مغازه قماش» خریداری شد و برای هر نفر یک دست لباس دوخته شد. تهیه لباس برای افراد هر شش ماه یک بار صورت می گرفت. در سندی مربوط به حدود شش ماه بعد از مورد فوق، مدیر نوانخانه از اداره خواروبار بیرجند تقاضای تهیه پارچه و دوخت لباس برای افراد آنجا را می دهد. اندازه پارچه مورد تقاضا در صورت امکان حدود ۱۸۰۰ متر، جهت تهیه دو دست لباس برای هر نفر و در غیر این صورت حدود ۹۰۰ متر و برای هر نفر یک دست لباس بود. (ساکماق، ۷۴۲۱۷: ۲۳) لباس افراد شامل پیراهن، شلوار از جنس کرباس، قبا جهت ایام تابستان برای مردها و چادر برای زنان بود. (ساکماق، ۸۳۶۷: ۲)

در مواردی نیز از طریق حرکت های انسان دوستانه خاص، کمک های موردی در اختیار نوانخانه قرار می گرفت. برای نمونه، گاهی از سوی برخی مراکز دولتی همچون آموزش و پرورش بازدیدهایی از نوانخانه صورت می گرفت که از جمله نتایج آن اطلاع رسانی در مورد وضعیت نوانخانه به عموم و درخواست رسیدگی بیشتر به آنجا و حتی کمک از سوی بازدیدکنندگان

بود. در بازدیدی که از سوی آموزشگاه بهیاری «بلیس علم» در ۱۳۵۸ ش. صورت گرفت، دانش‌آموزان آموزشگاه با مشاهده وضع نامناسب زندگی و تغذیه دانش‌آموزان نوانخانه، برخی وعده‌های غذایی خود همچون دسر میوه یا نوشابه و نیز نهار پنج‌شنبه و شام شنبه را برای دانش‌آموزان نوانخانه اختصاص دادند. همچنین از سوی آموزشگاه تعدادی کفش و لباس و نیز مقداری ملحفه کهنه برای نظافت نوانخانه فرستاده شد. (اسناد شهرداری بیرجند: ۲۳۳۴) بعد از انقلاب اسلامی نیز بازدیدهایی از سوی این آموزشگاه که به نام «لیلا زمردیان» تغییر نام یافته بود، از نوانخانه صورت گرفت که علاوه بر کمک مادی به آنجا منجر به ارائه پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت نوانخانه شد. (همان: ۱۲۳)

شیوه اداره نوانخانه

نوانخانه در ابتدا تحت نظارت رئیس اداره نظمی بود، اما پس از تشکیل شهرداری بیرجند، زیر نظر این نهاد اداره می‌شد. (غنی، ۱۳۸۸؛ سالک، ۱۳۸۸؛ خزاعی، ۱۳۸۸) در ابتدای تأسیس نوانخانه، از سوی کمیسیون دو نفر به‌عنوان «تحویله‌دار» و «محاسب» در نوانخانه تعیین شدند. برای تحویله‌داری علی‌اکبر مناسب و برای محاسبی [آقا ملامحمد] تعیین شدند. وظیفه شخص محاسب این بود که عایدات و مخارج گذشته و مال نوانخانه را مشخص و منتشر کند. (ساکماق، ۷۴۱۹۱: ۱۴) در ۱۳۰۵ ش. محمد سلمانی رئیس نوانخانه، تحویله‌دار آن احمد محسن‌زاده و محاسب آن شخصی به نام محمدعلی بود. (ساکماق، ۵۴۵۵: ۵) در ۱۳۲۱ ش. مدیر نوانخانه شخصی به نام کاووسی و سرپرست آن صابری نام داشت. در ۱۳۲۲ ش. حسابدار نوانخانه مسکرپور، انباردار آن غلامحسین [نواخا] و فردی به نام عزیزی از سوی شهرداری به‌عنوان «بازرس» نوانخانه تعیین شده بود. مدیریت نوانخانه نیز در این سال بر عهده علوی بود. در ۱۳۲۲ ش. امور مالی نوانخانه تحت نظارت علم اداره می‌شد. (ساکماق، ۷۴۲۱۷: ۴، ۹، ۶، ۲۱، ۳۰) در ۱۳۲۴ ش. از فردی به نام فرج‌زاده به‌عنوان حسابدار نوانخانه نام برده شده است. (ساکماق، ۷۴۵۱۵: ۲) برخی از کارمندان شهرداری که از سوی شهرداری به‌عنوان سرپرست نوانخانه انتخاب شدند عبارت بودند از درخشانی، یزدانی و حکمت. (براتی، ۱۳۸۸) در ۱۳۶۹ ش. مسئول نوانخانه فردی به نام سرایی بود. (اسناد شهرداری بیرجند: ۱۷۳۴۲)

علاوه بر تعیین کارکنان نوانخانه از سوی شهرداری، برخی اوقات برای نظارت بر امور

نوانخانه و کارکنان آن، بازرسی از سوی شهرداری تعیین و به آنجا فرستاده می‌شد. وظیفه بازرس مذکور تهیه گزارشی از وضعیت نوانخانه و افراد ساکن در آنجا بود. برای مثال گزارشی که در ۱۳۲۲ ش. از سوی بازرس شهرداری خطاب به علوی، مدیر وقت نوانخانه، تهیه شد، نشان‌دهنده وضعیت نامناسب نوانخانه و ساکنین آن است. در این گزارش آمده است وضع اتاق‌های افراد بزرگ‌سال کثیف و نامرتب است و سهل‌انگاریهایی نیز مشاهده می‌شود. در پی تنظیم همین گزارش از آنجا که تعداد شانزده نفر از ساکنین در آن موقع حضور نداشتند، جیره و حقوقشان از هزینه نوانخانه کسر و به شهرداری بازگشت داده شد. در همین خصوص بازرس مذکور خواستار مراقبت بیشتر از افراد حاضر در نوانخانه بود و اینکه از خروج افراد، بدون داشتن اجازه و بلیت جلوگیری شود. در این گزارش از مدیر نوانخانه درخواست شد فردی به نام صابری - که لیاقت و شایستگی اداره نوانخانه را ندارد - برکنار و فرد دیگری که مسن و باتجربه در امور نوانخانه است، جایگزین او شود. (ساکماق، ۱۶: ۷۴۲۱۷) بنابراین درستی و دقت در جمع‌آوری گزارش از سوی بازرس تعیین شده می‌توانست بر اوضاع نوانخانه و نیز سرنوشت کارکنان آن تأثیر بگذارد، چنانکه بعد از ارسال آن گزارش، سرپرست قبلی برکنار و مسئولیت نوانخانه بر عهده شخص دیگری نهاده شد. در اسناد آمده است که شهرداری علاوه بر تأمین غذا و احتیاجات نوانخانه، مسئولیت اداره و نگهداری و نظارت بر امور آن را عهده‌دار بود. بدین ترتیب نوانخانه در بیشترین بخش از تاریخ خود زیر نظر شهرداری اداره می‌شد و دیگر دستگاه‌ها نقش کمکی و تکمیلی در امور نوانخانه را بر عهده داشتند. (اسناد شهرداری بیرجند: ۶۴۸۴)

سرانجام نوانخانه

آغاز فعالیت نوانخانه از اواخر دوره قاجار و پایان آن در اوایل انقلاب اسلامی بود. در طول این دوران نوانخانه توسعه یافت و دارای بخش‌های مختلف با کارکردهای متفاوت شد. برخی از قسمتهای ساختمان نوانخانه چندین بار توسط شهرداری مرمت شد تا بتواند بهتر مورد استفاده قرار گیرد، چنانکه در ۱۳۴۸-۱۳۴۹ ش. ساختمان نوانخانه که در وضعیت نامناسبی قرار داشت، توسط کاشانی، شهردار وقت بیرجند، مرمت شد و در امور بهداشت و نظافت نوانخانه اقدامات مطلوبی صورت گرفت. (آیتی، ۱۳۷۶: ۲۱) آخرین اسنادی که در مورد نوانخانه وجود دارد مربوط به ۱۳۶۹ ش. خطاب به اداره بهزیستی بیرجند است که طی

آن دو واحد مسکونی از نوانخانه به دو خانواده مددجوی بهزیستی واگذار شده است. گویا در این زمان سه سازمان بهزیستی، کمیته امداد و نوانخانه با یکدیگر همکاری داشته‌اند و بعدها در تاریخی نامشخص، افراد ساکن در نوانخانه تحت تکفل اداره بهزیستی یا کمیته امداد قرار گرفتند و ساختمان نوانخانه خالی از سکنه شد و به صورت ساختمانی متروک درآمد. این ساختمان تا ۱۳۸۶ ش. بر جای بود، اما در این سال ساختمانش ویران و به جای آن ساختمان جدیدی ساخته شده که بر اساس گفته‌های مسئولین شهر، به سازمان گردشگری اختصاص خواهد یافت.

نتیجه

جنگ جهانی اول و به تبع آن بروز قحطی و خشکسالی شدید در سراسر ایران و نیز در منطقه قائنات و بیرجند، بحران شدید اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم، آمار فراوان تلفات انسانی و مهاجرت مردم به شهر، لزوم تأسیس سازمانی برای حمایت از مردم قحطی‌زده را در آن برهه زمانی ضروری می‌نمود. در این شرایط با حمایت و پشتیبانی عده‌ای از دولتمردان و علمای بیرجند، نوانخانه‌ای تأسیس شد. نوانخانه بیرجند را می‌توان از جهت قدمت و نیز دوام فعالیت یکی از مهمترین مراکز بهزیستی در تاریخ معاصر ایران (در دوران پس از انقلاب مشروطیت) به شمار آورد که بر اساس الگوهای مدرن و البته با بهره‌گیری از سنت‌های بومی همچون وقف، شکل گرفت. در تداوم کار این مرکز مجموعه‌ای از انگیزه‌های خیرخواهانه فردی و نیز حمایت و مشارکت دولتی مؤثر بود و بدین جهت می‌توان آن را نمونه‌ای نسبتاً موفق از مشارکت‌های مردمی و دولتی برای مهار و حل یک معضل اجتماعی (زیرپوشش قرار دادن فقرا، نیازمندان، معلولان و در مقطعی معتادان و تأمین نیازهای مادی ضروری آنان و نیز آموزش درسی و مهارتی ایشان) تلقی کرد. نوانخانه بیرجند در ابتدا با عنوان دارالرحمه بیرجند در این شهر شکل گرفت و با گذشت زمان با تغییر نام آن به نوانخانه و تعریف منابع مالی مختلف و تغییر و توسعه برخی کارکردهای آن، تقریباً تا ۱۳۶۹ ش. به حیات خود ادامه داد. چنانکه از سیر تحولات مربوط به نوانخانه و آمارهای مربوط به ادوار مختلف فعالیت آن برمی‌آید، نوانخانه بیرجند در طول حدود هفت دهه فعالیت، صدها نفر از افراد نیازمند را مورد حمایت قرار داد و از این جهت نقش قابل توجهی در بهبود زندگی اجتماعی شهر بر عهده داشت. همچنین از مجموع اسناد، گزارش‌ها و خاطرات موجود درباره آن دریافت می‌شود که با مجموعه‌ای از مقررات و نظارت‌های اداری و اجتماعی، امکان ادامه کار و رفع مشکلات مربوط به نوانخانه را

فراهم آورده بود، چنانکه آن را در طول حیاتش به مرکزی مورد توجه در جنوب خراسان و منطقه قائنات و بیرجند مبدل کرد.

منابع

آیتی، ابوالحسن. (۱۳۷۶ش). *خاطراتی از بیرجند و رویدادهای سیاسی*. بی جا: موفق.
حائری یزدی، محمدحسن. (۱۳۸۰ش). *وقف در فقه اسلامی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
درکتانیان، غلامرضا. (۱۳۸۵ش). «دارالعجزه و دارالتربیه تبریز». *پیام بهارستان*. (شماره ۶۲)، ۶۸-۷۶.
دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ش). *لغت نامه دهخدا*. ج ۱۱. تهران: دانشگاه تهران.
سوزنچی، علی. (۱۳۸۷ش). «شرح حال و زندگی محمدولی اسدی». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. بجنورد: دانشگاه آزاد اسلامی.
منصف، محمدعلی. (۱۳۵۴ش). *شوکت الملک علم*. تهران: امیرکبیر.

اسناد

اسناد شهرداری بیرجند

۲۳۳۴، ۵۸۵۵، ۶۴۷۱، ۶۴۸۴، ۹۸۹۷، ۱۰۵۱۴، ۱۷۳۴۲، ۱۱۹۰۸
ساکماق (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)
۵۴۵۵، ۷۴۲۱، ۷۹۴۸، ۷۵۴۱، ۵۴۹۶۹، ۸۳۶۷، ۷۰۸۲۲، ۷۴۱۹۱، ۷۴۴۳۹، ۷۴۲۱۷، ۷۴۵۱۵

نشریات

آزادی. (۱۳۱۹ش). سال ۱۷-۱۵. شماره ۲۰۱۸.
بهار. (۱۳۳۷ق). سال ۲. شماره ۴۲.
چمن. (۱۳۳۵ق). سال ۲. شماره ۵۷.
دادگستران. (۱۳۲۳ش). سال ۱. شماره ۴.

مصاحبه

خلیرانی، اشرف. (۱۳۸۸ش). *آشپز نوانخانه*. ۶۵ سال، منزل شخصی، بیرجند.
غنی، کاظم. (۱۳۸۸ش). *شهردار بیرجند در سال‌های ۱۳۴۹ش تا ۱۳۵۳ش*. ۷۱ سال. خیابان مدرس، بیرجند.
خزاعی، محمد. (۱۳۸۸ش). *مسئول بهزیستی بیرجند*. ۵۰ سال. اداره بهزیستی بیرجند.
سالک، محمدتقی. (۱۳۸۸ش). *فرهنگی بازنشسته*. ۶۰ سال. اداره اوقاف، مشهد.
حسینی، علی. (۱۳۸۸ش). *فرهنگی بازنشسته*. ۶۰ سال. مشهد.
براتی، حسین. (۱۳۸۸ش). *مسئول امور اداری شهرداری بیرجند*. ۵۵ سال. شهرداری بیرجند.